جلال متینی

تلفظ و ضبط‌های مختلفِ یکی از نشانه‌های نادر استفهام در فارسی

او = اُ = و = O

نگارندهٔ این‌سطور دریکی از مقاله‌های خود در زیر عنوان «برخی نشانه‌های نادر استفهام درفارسی: آذا، ای، او، و، یا، باش، درنگر، بشنو...؟»[1] باتوجه به‌بعضی ازتفسیرها وترجمه‌های قدیمی قرآن مجید به‌معرفیِ چند علامتِ نادر و فراموش‌شدهٔ استفهام در زبانِ فارسی پرداخت که درفرهنگها وکتبِ دستورزبان‌فارسی و کتابهای فارسی که متن مصححِ‌آن بچاپ‌رسیده است به‌آنها اشاره‌ای نگردیده بود. درآن‌مقاله توضیح داده‌شده‌بود که‌یکی از رایج‌ترین این‌نشانه‌ها درمتون موردبحث، متعلق به‌قرن چهارم و پنجم و ششم هجری، علامت «او» است که بجای «آیا»، ودر اکثر موارد درترجمهٔ همزهٔ استفهام عربی بکاررفته‌است. درزمان نگارشِ آن‌مقاله، تلفظِ این‌کلمه بربنده معاوم‌نبود زیرا این‌نشانه درنسخه‌های خطی بیِ‌اعراب کتابت شده است، وبعلاوه درلهجه‌های زندهٔ محلیِ فارسی نیز اثری ازآن نیافته‌بودم تابه‌کمكِ آنها، تلفظِ صحیح‌آن در روزگاران پیشین روشن گردد.

---

[1] ۱ــ مجلهٔ دانشکدهٔ ادبیات وعلوم انسانی مشهد، شمارهٔ اول، سال پنجم (۱۳۴۸)، ص ۱۱۲ تا ۱۳۴.

اکنون در این مختصر درصدد است که با استفاده از اطلاعات محدودی که در طی دو سال اخیر، در ضمن مطالعات خود در این مورد کسب کرده است دربارهٔ ضبط‌های مختلف این نشانهٔ استفهام در نسخه‌های خطی فارسی، و نیز تلفظ آن – با توجه به اسناد و قرائن موجود – چند سطری بعنوان «تکمله» بر مقالهٔ قبلی بیفزاید.

برای شروع بحث نخست به ذکر چند مثال از تفسیرهای قرآن‌مجید که در آنها نشانهٔ «او» بجای «آیا» بکار رفته‌است می‌پردازد:

الم یروا کَم اهلکنا قبلهم من القُرون. ۳۶/۳۱

او نمی‌بینند که چندناچیز کردیم پیش از یشان از گذشتگان...؟ تفسیر کمبریج[۲] ۱/۶۳۹

... قال الذین کفَروا للذین آمنوا انُطعم من لو یشاء الله اطعَمه...
۳۶/۴۷

گویند **او** طعام دهیم آنکس را که اگر خدای تعالی خواستی اورا طعام دادی...؟ تفسیر کمبریج ۱/۶۴۴

ولقد اضل منکم جبُلاً کثیراً افلَم تکونوا تعقِلون. ۳۶/۶۲

... افلم تکونوا تعقلون **او** پس خرد ندارید و درنمی‌یابید که شمارا از راه می‌برد ودشمن شماست؟ تفسیر کمبریج ۱/۶۴۹

یقول انّکَ لمن المصدقین. ۳۷/۵۲

گوید: **او** توی از راست‌کردگان؟ ترجمهٔ تفسیر طبری[۳] ۶/۱۵۱۹

قالوا ءَانت فعلت هذا بالهتنا یاابرهیم. ۲۱/۶۲

گفتند **او** تو کرده‌ای این براستای بتان ما، ای ابرهیم؟ تفسیر

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۲– تفسیر قرآن‌مجید (تفسیر کمبریج)، تصحیح جلال متینی، از انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.

۳– ترجمهٔ تفسیر طبری، تصحیح آقای حبیب یغمائی، از انتشارات دانشگاه تهران.

کمبریج ۱/۱۱۳

گفت‌نمرود اورا: **او** این‌تو کردی با خدایان‌ما یاابرهیم ؟ تفسیرموزهٔ بریتانیا[4] ۱۰۷a

الم یأتکُم نَبؤُ الذین کفروا من‌قبل فذاقوا وبال... ٥/٦٤

او نه‌رسیده‌است بشما خبر کسانی که پیش‌از شما کافر شدند ؟ تفسیر فاتح[5] .

قال هل انتُم مطّلعون. ۳۷/٥٤

او خواهید شما تا یکی بنگرید که‌آن بوقطروس‌در آتش کدام جایگاه است؟ تفسیر کمبریج ۱/٦٦٧

بوایوب انصاری گفت مر زنِ خویش‌را، مادر ایوب، **او** می‌شنوی تا چه‌می‌گویند مردمان درعایشه؟ تفسیر کمبریج ۱/۲۲۳

* * *

از طرز کتابتِ این‌کلمه درنسخه‌های مذکور، در نظرِ اول می‌توان‌گفت که این نشانه را محتملاً به یکی از صورتهای : ū , o , ô (واو مجهول) ، ava و امثال آن‌تلفظ می‌کرده‌اند. ولی ضبطِ این‌نشانهٔ‌استفهام بشکلی‌دیگر، غیراز «او»، دربعضی از نسخه‌های خطی فارسی، تاحدی ما را به‌تلفظِ صحیحِ آن در روزگار قدیم رهبری می‌کند. درنسخه‌ای از تفسیر زاهدی

٤ـ نسخهٔ شمارهٔ Or. 6573 محفوظ درکتابخانهٔ موزهٔ بریتانیا. این‌نسخه به‌تصحیح نویسندهٔ این‌سطور به‌نام «تفسیری بر عشری ازقرآن مجید» در بنیاد فرهنگ ایران تحت طبع‌است .

٥ـ بخشی از تفسیر قرآن‌مجید ، نسخهٔ شمارهٔ ۳۰۱ کتابخانهٔ فاتح استانبول، مکتوب بسال ٦۳۱ هجری (اطلاعات‌مربوط به‌سال کتابت وشمارهٔ‌این‌نسخه‌را شرق‌شناس‌محترم آقای G. M. Meredith Owens باضافهٔ ۳۸ورق‌عکس‌نسخه‌موردبحث‌را به‌بنده‌مرحمت‌کرده‌اند).

بشمارهٔ ۳٦۰۱ محفوظ درکتابخانهٔ انستیتوی شرق‌شناسی تاشکند ، این نشانهٔ استفهام بارهابا ضبط « أُ »(=او)، و درترجمهٔ همزهٔ استفهام عربی استعمال شده‌است . شش‌مورد از استعمالِ آنرا که بنده در فرصتی‌کوتاه درکتابخانهٔ آن‌مؤسسه یادداشت‌کرده‌است ذیلا ازنظرِ خوانندگانِ ارجمند می‌گذراند :

... افَهم الغالبون، استفهام‌بمعنی النفی ای‌لیسوا بالغالبین ، **أُ** ایشان غلبه‌کنند مسلمانانرا، ای نکنند ، تحقیر ایشانست. سورةالأنبیاء/٤٤

... افانتم له منکرون ، یااهل مکه ، استفهام‌است بمعنی‌توبیخ ، **أُ** شما منکرانید فرستادن قرآنرا بمحمد ؟ سورةالأنبیاء/۵۰

قالوا ءَانت فعلت هذا بالهتنا یاابرهیم ، **أُ** تو شکستی بتانِ مارا یا ابرهیم ؟ سورةالأنبیاء/٦۲

افلم یهدِ لهم ، **أُ** یا پیدا نکردیم این کافران مکه‌را...؟ سورةطه/۱۲۸

اَولا یذکُرالإنسان ، أُ یاد نکند این انسان...؟ سورة مریم/٦۷

افحسب‌الذین کفروا، **أُ** می‌پندارند این کافران...؟ سورةالکهف/۱۰۲

در پنج مورد اول مذکور در فوق، در تفسیر کمبریج در برابر همزهٔ استفهام عربی نشانهٔ «او» ودرمورد ششم درتفسیر موزهٔبریتانیا نشانهٔ «و» استعمال گردیده‌است .

چون دراین‌نسخهٔ تفسیر زاهدی ضمیر سوم‌شخص مفرد،او، همه‌جا با همین ضبط نوشته شده‌است نه « أُ » ، ضبط نشانهٔ‌استفهام « أُ » بدین شکل نشان می‌دهد که مؤلف یاکاتب نسخهٔ مورد بحث، آنرا مطلقاً بامخرج

٦ــ این‌نسخه شمارهٔ صفحه ندارد. بدین‌جهت در نقل شواهد بذکر نام سورهٔ مربوط وشمارهٔ آیه اکتفا شده‌است . بعلاوه دوست فاضل آقای علی رواقی نیز درنسخه‌ای ازتفسیر بصائر متعلق به‌بنیاد فرهنگ‌ایران نشانهٔ استفهام‌را با ضبط « اُ » ملاحظه‌کرده‌اند .

ū تلفظ نمی‌کرده‌اند بلکه تلفظ آن به‌یکی از دو صورت o یا ō محدود می‌گردد. که مخرج این دو امروز در بین فارسی‌زبانانِ ایران با یك دیگر تفاوتی ندارد. بدین‌سبب بنظرِ بنده اگر نشانهٔ استفهام «او»را در متون کهنِ فارسی باتلفظ « اُ=o » بخوانیم – باتوجه به‌متون فارسی که تابحال معرفی گردیده است – لااقل تلفظی‌است نزدیك به‌تلفظ آن کلمه در روزگار قدیم .

موضوع دیگری که بحث دربارهٔ آن دراینجا لازم بنظر می‌رسد آنست که دربعضی از تفسیرهای قدیمی قرآن مجید به‌زبان فارسی نظیر تفسیر کمبریج، تفسیر موزهٔ بریتانیا – درمواردی که اندك هم نیست – در ترجمهٔ همزهٔ استفهام عربی علاوه بر نشانهٔ «او»، علامت «و» نیز بعنوان نشانهٔ پرسش بکاررفته‌است . درموقع نوشتن مقالهٔ سابق‌الذکر، هم طرز تلفظِ این «و» بر بنده کاملا مبهم بود ، و هم آنرا نشانهٔ استفهامی مستقل، ودر برابر دیگرنشانه‌های استفهام، می‌پنداشتم . اینك با کلیدی که‌نسخهٔ تاشکندِ تفسیرِ زاهدی درضبطِ نشانهٔ استفهام «او» بشکل « اُ » دراختیارما قرار می‌دهد، آیا نمی‌توان پذیرفت که استعمال این «و» درجمله‌های پرسشی - دربرابر همزهٔ استفهام عربی – در دوتفسیر مذکور ضبط دیگری‌است از «او» و « اُ » ؟ واین «و»را مؤلفان وکاتبان درروزگارِ گذشته بشکل« اُ= o » تلفظ می‌کرده‌اند نه بصورت va ؟[۷] وآیا درنتیجه نمی‌توان گفت که این «و»

---

[۷] ۷– تلفظ «و=va » بصورت «و=O» جزدر مورد استفهام – در زبان فارسی سابقهٔ بسیاردارد که ازآن‌جمله‌است تلفظ «و» ربط دراکثر موارد درشعر فارسی مانند :

حافظ افتادگی ازدست مده زانکه حسود عِرض و مال و دل‌ودین درسرِ مغروری کرد

دیوان‌حافظ، تصحیح قزوینی، ۹۶

در مسجد و میخانه خیالت اگر آید محراب و کمانچه ز دو ابروی تو سازم

دیوان‌حافظ، تصحیح قزوینی، ص۲۲۹

همان که درمان باشد بجای درد شود وُ باز درد ، همان کز نخست درمان بود

←

نشانهٔ استفهام ِمستقلی نیست ، بلکه ضبط ِدیگری‌است از همان نشانهٔ استفهام «او» که بشکل « اُ » نیز ضبط گردیده است ؟

اینك مثالهایی چند از استعمال «و» بجای نشانهٔ استفهام « او=اُ » نقل می‌شود :

ءَاذا ِمتنا وکنّا تراباً وعِظاماً ائِنّا لمبعوثون. ۱۶/۳۷

و چو بمیریم ما وخاك‌گردیم واستخوانها ، ائِنّا لمبعوثون، او ما را زنده‌خواهندکرد وازگور برخواهندانگیخت؟ تفسیر کمبریج ۱/۶۶۱

درعبارت فوق در برابر همزهٔ استفهام عربی یك‌بار «و» ویك‌بار «او» بکاررفته‌است .

الَم تر انّا ارسلناالشیاطین علی‌الکافِرین تؤزهم ازّاً ۱۹۰. ۸۳/

و نمی‌دانی که ما چگونه دیوانرا برگماشتیم برکافران...؟

تفسیر موزهٔ بریتانیا ۴۷a

... قال یاقوم الم یعدکم ربّکم وعداً حسناً ... ۸۶/۲۰.

بسا شکسته بیابان که باغ خرّم بود و باغ خرّم گشت آن کجا بیابان بود

رودکی (برزویه‌حکیم ورودکی...، بقلم آقای مجتبی‌مینوی، مجلهٔ دانشکدهٔ ادبیات وعلوم‌انسانی مشهد، سال۷، شمارهٔ ٤ .

همچنین است تلفظ « و =va » درمحاورهٔ ما فارسی‌زبانان‌ایران درعباراتی نظیر: زدوخورد ، گفت‌وشنود ، من‌وتو باهم عهدبستیم ، که دراین نوع عبارتها « و » بصورت O تلفظ می‌شود نهva . شاید بهمین‌جهت است که استاد مجتبی مینُوی در آخرین تصحیح ِانتقادی کلیله ودمنه، انشای نصرالله منشی، درنقطه‌گذاری چنین‌عباراتی دراکثر موارد«و» را آخرین‌جزء عبارت نخستین قرار داده‌اند نه‌اولین جزء عبارت‌بعد،و این موضوع‌را با قرار‌دادن ویرگول (،) پس از « و » نشان داده‌اند مانند : صیاد پیش‌آمدو، جال بازکشید و، حبّه‌بینداختو، درکمین بنشست. ص۱۵۸

اکنون اگر میسرگردد بازگوی داستان ِ دوستان یك‌دل‌و، کیفیت موالات وافتتاح مؤاخات ِایشان‌و، استمتاع ازثمرات مخالصت وبرخورداری ازنتایج ِمصادقت . ص۱۵۷ .

. . . گفت موسی ای مردمان که من پیامبر شماام و نه نوید داده‌است شمارا خدای شما نویدی نیکو، کشمارا توریت دهد پس چهل شبان‌روز ؟
تفسیر کمبریج ۷۳/۱ .

. . . گفت مرایشانرا: ای‌قوم، و نه‌نوید داده‌بود خداوند ، شمارا، و امیدنموده اومید نیکوا... تفسیر موزهٔ بریتانیا a ۷۳

افلا یرون ٴالاّ یرجع الیهِم قولاً... ۸۹/۲۰

و پس ندیدند بنی‌اسرایل که‌گوساله مرایشانرا هیچ سخون جواب داد جزآن یك‌بانگ که‌بکرد ؟ تفسیر موزهٔ بریتانیا a , b ۷٤ .

مثال از دیگر تفاسیر :

اَلم تعلَم ان‌الله له ملك‌السموات والأرض... ۱۰۷/۲

و ندانی که‌خدای [عزوجل] ، اوراست پادشاهیِ آسمانها و زمین...؟
تفسیرِ سورآبادی[8] ۱۸/۱

و نمیدانی ای آدمی . . . که الله‌راست پادشاهیِ آسمانها و زمین . . . ؟
کشف‌الأسرار میبدی[9] ۳۰٤/۱

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

. یادآوری این موضوع نیز ضروری‌است که‌درتفسیر کمبریج وتفسیر موزهٔ‌بریتانیا از دیگرنشانه‌های پرسشی:آیا، آذا،ای،... اثری دیده‌نمی‌شود . دراین دوکتاب جمله‌های پرسشی فقط به‌یکی ازاین‌سه‌شکل بکاررفته‌است:

۱ــ بی نشانهٔ اسنفهام :

الم یأتکم نبؤاالذین کفروا من قبل... ٥/٦٤

---

[8] ۸ــ ترجمه وقصه‌های قرآن ازروی نسخهٔ موقوفه بر تربت شیخ‌جام، به‌تصحیح آقایان مهدی بیانی و یحیی مهدوی، از انتشارات دانشگاه تهران .

[9] ۹ــ کشف‌الاسرار و عــدّة‌الابرار ، تألیف ابوالفضل رشیدالدین میبدی، به‌تصحیح‌آقای علی‌اصغرحکمت، از انتشارات دانشگاه‌تهران .

سوی شما نرسید یااهل مکه خبر آنکسها که پیش‌ازشما کافران‌بودند که خدای با ایشان چه‌کرد...؟ تفسیر کمبریج ۴۲۵/۲

... افـلا یرون انا نـأتی الأرض ننقصها من‌اطرافها... ۴۴/۲۱

... نبیـنند این مکیان باری که چگونه نقصان می‌درآریم انـدرین زمینها...؟ تفسیر موزهٔ بریتانیا ۱۰۲ a , b

۲- با استعمال «او» :

... اهذاالذی یذکرالهتکم وهم بذکرالرحمن هم کافرون. ۳۶/۲۱

... گویند **او** اینست که یاد می‌کنـد بتان شمارا ببدی...؟ تفسیر کمبریج ۱۰۶/۱

قالوا اجئتنا بالحق ام انت من‌اللاعبین. ۵۵/۲۱

آنگاه‌گفتند: **او** راست می‌گویی یاابراهیم علیه‌السلام که خدای یکی بیش‌نیست یا ببازی سخون می‌گویی؟ تفسیر موزهٔ بریتانیا ۱۰۵ b

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۳- با استعمال «و» :

ءَاذا متنا وکنا تراباً وعظاماً... ۱۶/۳۷

و چو بمیریم ما و خاك گردیم و استخوانها، ائنّا لمبعوثون، او مارا زنده خواهندکرد وازگور برخواهندانگیخت؟ تفسیر کمبریج ۶۶۱/۱.

افحسب‌الذین کفروا ان یتخذوا عبادی من‌دونی اولیاءَ... ۱۰۲/۱۸

و چنان پنداشتند این کافران که بنـدگان مرا بدون من بخـدایی گیرند...؟ تفسیر موزهٔ بریتانیا ۱۲ a

باتوجه به‌این‌حقیقت که دردونسخهٔ‌مزبور بعضی‌ازکلمات‌دیگرنیز با دو ضبط مختلف یا بیشتر نوشته شده‌است نظیر: زکوت، زکات، زکوة، زکاة

- شست، شصت (=٦٠) - ایشا، ایشان - تاخ ، طلخ - ترکیدن، طرکیدن[10] وامثال‌آن، شایدبتوان پذیرفت که این نشانهٔ استفهام در نسخه‌های مورد بحث نیز با دوضبط «او» و «و» نوشته شده‌است .

* * *

نتیجه : یکی ازنشانه‌های نادر ومتروك استفهام درزبان فارسی«او» است که کاتبان آنرا به سه شکل گوناگون :« او ، اُ ، و » ضبط کرده‌اندو باحتمال قوی هرسه ضبط بصورت مصوت کوتاه o یا واو مجهول ô ادا می‌شده‌است وتلفظِ آن امروز بصورت o صحیح‌است .

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

---

[10] تفسیر قرآن مجید (تفسیر کمبریج) ، ج۱، مقدمه، صفحهٔ سی‌ویک .